

محمد علی شهریاری*

اسماعیل شفیع‌ی***

نفیسه واعظ***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۵/۱۵

چکیده

تحولات سیاسی - امنیتی و تغییرات ژئوپلیتیکی عراق جدید، از ۲۰۰۳، منجر به ارتقاء جایگاه جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های سیاسی - امنیتی خاورمیانه از جمله عراق شده که به‌طور سنتی در حوزه اثرگذاری آمریکا، عربستان و اسرائیل بوده است. ایران نیز با استفاده از این فرصت‌ها، سعی در شناسایی ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و ارزش‌های خود و نفوذ هرچه بیشتر در خاورمیانه کرده است. این جریان به زبان عربستان سعودی تحلیل و تفسیر می‌شود. لذا عربستان نیز در این بازی به دنبال راه کارهایی است تا از توسعه نفوذ سیاسی و معنوی ایران در منطقه جلوگیری به عمل آورد و تمهیداتی برای موازنه‌سازی قدرت منطقه‌ای ایران تدارک ببیند. در این میان عراق اولین حوزه انعکاس سیاست‌های رقابتی ایران و عربستان می‌باشد. تقابل ایران و عربستان به گونه‌ای است که شواهدی بر تطبیق قاعده حاصل جمع جبری صفر بر روابط این دو کشور در عراق وجود دارد که در آن عربستان به یک بازیگر کمینه‌گر تبدیل شده است. بر همین اساس، سیاست خارجی عربستان در خاورمیانه بر مبنای سد نفوذ جمهوری اسلامی ایران استوار می‌باشد. بنابراین، تلاش شده است در قالب نظریه بازی‌ها و تئوری حرکت‌ها و به شیوه توصیفی - تحلیلی و به روش عقلی - تجربی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی مورد بررسی قرار گیرد تا به این طریق رقابت آنها در خاورمیانه قابل درک باشد.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، نظریه بازی‌ها، خاورمیانه، سیاست خارجی، عراق، عربستان

mash_1097@yahoo.com

esmaeilshafiee@yahoo.com

vaezsh85@yahoo.com

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی / مسائل ایران - دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا

** استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد شهرضا

*** استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیست و سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵، صص ۵۵ - ۸۰.

مقدمه

فرضیه افزایش نقش و اثرگذاری ایران در مسائل سیاسی امنیتی خاورمیانه بعد از بحران عراق در سال ۲۰۰۳، از موضوعات مهم جاری در تجزیه و تحلیل مسائل خاورمیانه می‌باشد. تحولات منطقه خاورمیانه به گونه‌ای رقم خورده است که شیعیان را از گروهی در حاشیه و به دور از قدرت سیاسی به نیروهایی مهم و اثرگذار در منطقه تبدیل کرده است و این امر به علت ماهیت شیعی دولت در جمهوری اسلامی ایران سبب بالا رفتن نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی، افزایش قدرت چانه‌زنی و در نهایت به هم خوردن موازنه نیروها در خاورمیانه شده و موقعیت ایران را ارتقاء داده است. لذا دولت‌های رقیب به‌رهبری عربستان سعودی به دنبال راه‌کارهایی هستند تا از توسعه نفوذ اندیشه‌های سیاسی و معنوی ایران که منجر به تهدیداتی برای حکومت و سیاست‌های آنان است، جلوگیری به‌عمل آورده و جمهوری اسلامی ایران را به چالش کشیده و تمهیداتی برای موازنه‌سازی قدرت منطقه‌ای ایران تدارک ببینند، تاجایی که خاورمیانه بیشتر به صحنه رقابت این دو کشور تبدیل شده است. یکی حوزه‌هایی انعکاس رقابت‌های ایران و عربستان، عراق است. تقابل ایران و عربستان به گونه‌ای است که شواهدی بر تطبیق قاعده حاصل جمع جبری صفر بر روابط این دو کشور در عراق وجود دارد. بر همین اساس این مقاله در چارچوب نظریه بازی‌ها (تئوری حرکت‌ها) و قاعده حاصل جمع جبری صفر به بررسی رقابت‌های این دو قدرت منطقه‌ای می‌پردازد که نقطه آغاز حرکت آن عراق است.

بنیان نظری مقاله

نظریه بازی‌ها حوزه‌ای از ریاضیات کاربردی است که در بستر علم اقتصاد توسعه یافته و به مطالعه رفتار راهبردی بین «عوامل عقلانی» می‌پردازد. رفتار راهبردی، زمانی بروز می‌کند که مطلوبیت هر عامل، نه فقط به راهبرد انتخاب شده توسط خود وی، بلکه به راهبرد انتخاب شده توسط بازیگران دیگر هم بستگی داشته باشد. زندگی روزمره ما، مثال‌های بی‌شمار از چنین وضعیتهایی دارد. (عبدلی، ۱۳۸۶: ۱۹) رقابت دو کشور برای دستیابی به انرژی هسته‌ای یا دستیابی به یک منطقه راهبردی، سازوکار حاکم بر روابط بین دو کشور در حل یک مناقشه بین‌المللی و ... نمونه‌هایی از این بازی‌ها در حوزه سیاست خارجی هستند که نتیجه آنها بر اساس حاصل جمع جبری صفر قابل تبیین است.

کاربرد و مفاهیم نظریه بازی‌ها

این تئوری از موقعیت‌های رقابتی بحث می‌کند که در آن دو یا چند رقیب هوشمند با منافع متضاد به رقابت با هم می‌پردازند. در این رقابت بازیگران چندین انتخاب پیش رو دارند و هر بازیگر تلاش می‌کند دریافت خود را بهینه سازد. (عرب، ۱۳۷۸: ۱۶۳) در این بازی، هر بازیگری که به دنبال افزایش کمترین امتیازی است که مطمئن در به دست آوردن آن است و در پی کاهش بیشترین ضرری است که تحمل آن اجتناب‌ناپذیر است، بازیگر کمینه‌گر^۱ می‌گویند. (حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۸۴ - ۱۸۳) و (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۹۵) در مقابل، بازیگر بیشینه‌گر^۲ بازیگری است که در یک بازی دونفره با حاصل جمع ثابت، سعی دارد پیامد کمینه ناشی از یک راهبرد را برای خود بیشینه سازد. (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۹۵) در نظریه بازی‌ها مفهومی داریم به نام تعادل نش^۳، در بازی، دست‌کم یک راهبرد برای به دست آوردن بهترین نتیجه برای هر بازیکن قابل انتخاب است و چنانچه بازیکن راه‌کار دیگری به غیر از آن را انتخاب کند، نتیجهٔ بهتری به دست نخواهد آورد. به این وضعیت «تعادل راهبرد» (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۱۳۵) یا نقطه زینی^۴ نیز می‌گویند. (لیتل، ۱۳۷۳: ۸۵)

ماتریس بازده‌ها^۵ از دیگر مفاهیم موجود در نظریه بازی‌ها، ماتریس پیامدهاست که به آرایش مستطیل شکل از پیامدهای گوناگون بازی گفته می‌شود. سطرهاى این مستطیل متناظر با راهبردهای خودمان و ستون‌های آن متناظر با راهبردهای حریف است. (ونتسل، ۱۳۷۲: ۱۲)

قواعد بازی در نظریه بازی‌ها

یک. بازی با حاصل جمع صفر: $0 = (-1) + (+1)$ مثل تلاش دو کشور برای به دست آوردن یک سرزمین خاص.

دو. بازی با حاصل جمع غیرصفر: در الگوی «بازی با حاصل غیرصفر»، هر دو بازیکن امتیاز

کسب می‌کنند و تنها درصد کسب امتیازها با یکدیگر تفاوت دارد.

سه. بازی با حاصل جمع متغیر: در این نوع بازی صرفاً تعارض بر سر منافع بازیگران حاکم نیست، بلکه بازیگران می‌توانند با اتخاذ راهبردهای انتخابی خود بر سرنوشت جبری واقعیات مبادلاتی بین خود تاثیر بگذارند. (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۷۹)

رهیافت نظریه بازی‌ها

در تئوری، تصمیم عقل‌گرایانه، رفتاری است که بر تصمیمی که انتظار می‌رود طرف مقابل اتخاذ کند، مبتنی شده باشد. (سیف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۹۲) به عبارتی عقلانی‌ترین فعل یک کنشگر، رفتاری است که بر واکنش به تصمیم یا فعل طرف مقابل مبتنی شده است.

رهیافت نظریه بازی‌ها، مبانی فلسفی نظریه موازنه قوا را قبول دارد. مبانی فلسفی موازنه قوا همان مبانی فلسفی واقع‌گرایی است. علاوه بر آن، سعی دارد با اضافه کردن ریاضیات و کاربرد منطق صوری، به توصیف و تبیین تحولات بین‌الملل بپردازد. تنها تفاوت آن با نظریه موازنه قدرت در این است که در نظریه بازی‌ها، مبانی فکری نظریه موازنه قدرت به سطح تحلیل خرد تحویل شده و در قالب بازی دو یا چند نفره بررسی شده است.

تحول در نظریه بازی‌ها

پروفسور استیون برامز،^۱ شیوه تعمیمی برای نظریه بازی‌ها پیدا کرده که نظریه حرکت- حرکت یا نظریه حرکت‌ها^۲ خوانده می‌شود. وی نشان می‌دهد که چگونه با واکنش هر بازیکن به راهبرد بازیکن دیگر، بازی تکامل می‌یابد. (Brams, 1998: 34) به عبارتی، بازیگران نه تنها در ذهن خود آثار فوری حرکات را در نظر می‌آورند، بلکه به آثار ضد حرکت‌ها^۳ یا واکنش‌های این حرکات و ضد حرکت‌ها^۴ توجه دارند. (Brams, 1998: 1) در تئوری حرکات به جای گزینش راهبردهایی

1. Steven J. Brams
2. Moves Theory
3. Countermoves
4. Counter - Countermoves

راهبردهایی از سوی دو بازیگر در ماتریس بازده، بازیگران از یک نتیجه در ماتریس آغاز می کنند و در جریان بازی است که تصمیم می گیرند حرکت کنند یا حرکت نکنند. (Brams, 1994: 4) بنابراین در تئوری حرکتها، قواعد بازی نیز در جریان بازی و از سوی بازیگران، تعیین و عملیاتی می شوند. در نظریه کلاسیک بازیها، بازیگر همزمان در ماتریس بازی، راهبردهایی را برمیگزیند که آثار انتخاب، آنها را روشن می کرد، اما در تئوری حرکت به جای اینکه بازی با گزینش یا راهبرد آغاز شود، چنین فرض می شود که بازیگران در آغاز بازی در چندین وضع قرار داشته اند یا چنین وضع را می توانند انتخاب کنند. بر پایه این بازدهها آنان باید به تنهایی تصمیم بگیرند که این وضع را برای اینکه بهتر شود تغییر دهند یا نه؟ (Brams, 2001: 3) تئوری بازی قائل به تداوم بازی است. از همین رو جابه جایی واکنش های بازیگران و درپیش گرفتن موضع سخت و نرم همواره تکرار می شود و این حرکتها و ضد حرکتها در بازی جریان دارد. (Brams, 1998: 33) یک مفهوم کلیدی مختص تئوری حرکتها، مفهوم «قدرت تهدید» است. بازیگری قدرت تهدید دارد که بتواند نسبت به رقیب خود وضع نامطلوب و کم بازده را بیشتر تاب آورد. (Brams, 1998: 3)

به نظر می رسد در منطقه خاورمیانه جنگ سردی بر روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی حاکم است. لذا استفاده از نظریه بازیها که برای تبیین وضعیت جنگ سرد کاربرد مناسبی دارد، بهتر می تواند سیاستهای منطقه ای آنها را در خاورمیانه تحلیل و تبیین نماید. کسب جایگاه رهبری در جهان اسلام و قدرت منطقه ای و محبوبیت سیاسی در بین گروه های سیاسی و دولت های عرب منطقه خاورمیانه، تلاش برای توسعه نفوذ و کسب موقعیت های راهبردی در خاورمیانه؛ از جمله مواردی هستند که بین این دو کشور بر اساس نظریه بازیها قابل تحلیل می باشند. در این بازی عربستان به دنبال کسب موقعیت از دست رفته خود است، لذا بازیگر کمینه گر و ایران به دنبال توسعه نفوذ و افزایش قدرت تهدید خود می باشد. بنابراین بازیگر بیشینه گر محسوب می شوند. این مورد را با نوع رفتار جمهوری اسلامی ایران در یمن و رفتار عربستان در سوریه و بحرین می توان تصدیق نمود. در سوریه، عربستان دنبال رها کردن اهداف و منافع خود است، به شرط اینکه جمهوری اسلامی ایران یمن را رها کند. ولی ایران در یمن علاوه بر منافع خود در سوریه، دنبال کسب موقعیت بهتری برای شیعیان یمن است تا موقعیت انصارالله یمن را مانند موقعیت حزب الله لبنان ارتقاء دهد. در این

مورد سندی وجود دارد که در آن عربستانی‌ها گفته‌اند ما سوریه را رها می‌کنیم و شما یمن را رها کنید. (<http://jahannews.com/433272>) این راهبردها همه در ادامه حرکت‌ها و ضدحرکت‌های جمهوری اسلامی ایران و عربستان در عراق صورت می‌گیرد.

تحولات عراق و تاثیر آن قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

عراق کشوری است در خاورمیانه که از جنوب با عربستان و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با جمهوری اسلامی ایران و از شمال با ترکیه همسایه است و از جنوب مرز آبی کوچکی با خلیج فارس دارد و از نظر هیدروپلیتیک رودخانه‌هایی دارد که از ترکیه و ایران سرچشمه می‌گیرند. حدوداً ۲۵ درصد از مسلمانان سنی (و عرب) در شمال بغداد، ۵۵ درصد مسلمانان شیعی مذهب که در قسمت‌های جنوبی و ۲۰ درصد جمعیت عراق کرد سنی مذهب هستند که در نواحی کوهستانی شمال زندگی می‌کنند. (پر حلم و کاظمی، ۱۳۸۲: ۱۵)

عراق از زمان‌های قدیم محل تلاقی راه‌های تجاری و بازرگانی بین شبه‌جزیره عرب و آسیای میانه و هند بوده و محل تبادل اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها بین شرق و غرب است. اهمیت راهبردی و استراتژیک عراق برای ایران، راه ارتباطی به شرق مدیترانه و شامات است. عراق همچنین مکانی برای ارتباط سه جهان اسلامی عربی، فارسی و ترکی محسوب می‌شود و به دلیل گستره اراضی از خلیج فارس تا ترکیه، دروازه شرقی جهان عرب است. از طرف دیگر، عراق با تشکیل ائتلاف‌ها، تشکلات و احزاب مختلف، هدف راهبردی کشورهای غربی قرار گرفته و همواره به دلایل ذخایر نفتی عظیم و موقعیت راهبردی و استراتژیک ممتاز مورد توجهات بین‌المللی بوده است. در عراق، کردها که در مناطق مرتفع و نفت‌خیز عراق متمرکزند، با جمهوری اسلامی ایران ارتباط قومی و ساکنین جلگه‌های جنوبی عراق، از لحاظ مذهبی با ایران وجه مشترکی دارند. این دو گروه هم در راهبردهای جهانی در رابطه با خاورمیانه و هم در راهبردهای منطقه‌ای و محلی حایز اهمیت می‌باشند. (خالقی، ۱۳۸۷: ۸)

عراق از دهه ۱۹۷۰ تاکنون وزنه تعادل در روابط منطقه‌ای ایران و عربستان سعودی می‌باشد. با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، عربستان و سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در طول جنگ تحمیلی، در کنار عراق قرار گرفتند و رقابت‌های سنتی بین آنها شدت یافت. حمله

آمریکا در سال ۲۰۰۳ به عراق و برکناری صدام حسین و شکل‌گیری دولت نسبتا شیعی، این کشور را به نقطه حساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و عربستان تبدیل نمود و آغازی شد برای دور جدید رقابت‌های منطقه‌ای آنها.

عراق متمایل به عربستان، به‌منزله تنگ‌تر شدن حلقه انزوا بر ضد ایران و برعکس، عراق متمایل به جمهوری اسلامی ایران، باعث برهم خوردن توازن قدرت به نفع ایران، توسعه ژئوپلیتیک شیعه و شروع گرایش‌های جدایی‌طلبانه از سوی شیعیان عربستان سعودی و همچنین دستیابی آسان ایران به سوریه و لبنان و افزایش نقش‌آفرینی ایران در فلسطین و کاهش نقش عربستان در روند صلح خاورمیانه خواهد بود.

سعودی‌ها در دهه‌های گذشته، عمدتا سعی کرده‌اند تا با توازن‌سازی بین ایران و عراق، نگرانی‌های امنیتی خود را کاهش دهند. دو سال پس از پیروزی انقلاب، کشورهای عرب حوزه خلیج فارس با تشکیل شورای همکاری خلیج فارس به‌طور عملی در جهت مقابله و رفع نگرانی از بابت حضور یک ایران جدید در منطقه گام برداشتند. در دهه ۱۹۹۰ و بعد از اشغال کویت از سوی صدام، با وجود سیاست مهار دوگانه جمهوری اسلامی ایران و عراق از سوی آمریکا، سعودی‌ها سیاست تعامل و همکاری متعادل با ایران را تعقیب کردند که به‌نوعی در مقابل عراق تضعیف شده محسوب می‌شد. پس از جنگ، به‌ویژه پس از حمله عراق به کویت، روابط دو کشور وارد مرحله جدیدی از همکاری و اعتمادسازی شد، اما هیچ‌گاه بدگمانی عربستان نسبت به ایران برطرف نشد.

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر به‌دلیل توسعه شکاف در روابط آمریکا و عربستان و پدیدار شدن فرصت‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در عراق و افغانستان و خلیج فارس برای آمریکا به‌عنوان جایگزین‌های مناسب در برابر عربستان، گرمی روابط ایران و عربستان از شتاب بیشتری برخوردار شد و الگوهایی از روابط دوجانبه شکل گرفت و با تعدیل نگرش‌های ایدئولوژیک دو کشور نسبت به یکدیگر، کاهش رقابت و تقابل در حوزه‌های ژئوپلیتیکی مانند جنوب آسیا، همکاری درون‌منطقه‌ای بر رشد زمینه‌های شکل‌گیری مواضع مشترک اثر مثبت گذاشت. اما این مسئله نیز نتوانست بر علل و عوامل ریشه‌ای رقابت‌های این دو کشور فائق آید و روابط فیما بین را به یک بازی با حاصل جمع جبری مضاعف تبدیل نماید.

پس از فروپاشی حزب بعث، و به دنبال آن خیزش‌های اسلامی در خاورمیانه، فضای جدید برای ایران برای اعمال نفوذ بر شیعیان منطقه به وجود آمده و محور مقاومت شیعی شکل گرفت. لذا عربستان با فضای تهدیدآمیز به وجود آمده در صدد راه حلی برای رفع این مشکل بود و به همین دلیل به سمت اتحاد و ائتلاف با آمریکا، اسرائیل، شیوخ عرب منطقه و ترکیه رفت تا بتواند در مقابل جمهوری اسلامی ایران در منطقه، توازن را حفظ نماید.

تغییر رژیم و به قدرت رسیدن شیعیان و کردها عراق و کاهش قدرت اعراب سنی، باعث شد تا نظام سیاسی جدیدی در عراق پدیدار شود که با توجه به سیاست خارجی متفاوت آن از رژیم سابق، معادلات راهبردی و توازن قدرت در منطقه را وارد مرحله جدیدی نماید. نظام سیاسی، برخلاف رژیم بعث که گرایش و رویکردهای ضد ایرانی شدیدی داشت و عمدتاً به عنوان بازیگری موازنه‌بخش در برابر جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شد، دربرگیرنده رهبران سیاسی‌ای است که به گسترش روابط سیاسی با جمهوری اسلامی ایران ملزم هستند. شرایط جدید، امیدها و بسترهایی را برای ایجاد روابط راهبردی بین دو کشور ایجاد نموده و این مسئله که به مفهوم تغییر در توازن راهبردی سنتی است، باعث نگرانی رهبران سعودی شده است. (ضمن اینکه) اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی بین جمهوری اسلامی ایران و عراق سبب شد تا سقوط صدام نه تنها تهدید عراق را از بین ببرد، بلکه به افزایش نقش و موقعیت ایران در این کشور و منطقه خلیج فارس منجر شود. (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۱۸) عراق نوین از حالت متعادل‌کننده قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه خارج شده و در طرح و راهبردهای سیاسی - استراتژیک در کنار ایران قرار گرفته است. با خروج از تعریف سنتی توازن قوا، فرصت جدیدی برای ایران فراهم شده است تا به بازتعریف نقش منطقه‌ای خود به عنوان یک بازیگر و قدرت منطقه‌ای بپردازد.

راهیابی گروه‌های شیعی به حوزه قدرت سیاسی عراق و قرار گرفتن عراق در گروه کشورهای دوست و رهایی از تهدید تجاوز از جانب مرزهای غربی و راهیابی جمهوری اسلامی ایران به شامات از طریق خشکی، از لحاظ سیاسی، اقتصادی و راهبردی امتیاز بزرگی برای ایران در عراق جدید خواهد بود. شکل‌گیری یک نظام سیاسی شیعی و همکار ایران در منطقه به جای یک رژیم سنی و دشمن در عراق، منجر به تعادل در سیاست جمهوری اسلامی ایران با منطقه و جهان عرب شده و

همچنین نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در مسائل عراق نیز منجر به پی‌بردن به اهمیت و نقش ایران در منطقه در سیاست منطقه‌ای ایالات متحده و دیگر قدرت‌های بزرگ شده است. از جانب دیگر، تشکیل دومین دولت شیعی منطقه، موج نوین احیای آگاهی اسلامی و بازسازی هویت شیعیان و تاثیر آن بر فرایندهای سیاسی منطقه و مبدا طرح مجدد هلال شیعه در خاورمیانه شد. (جاودانی، ۱۳۹۱: ۳۹) این مسئله با توجه به اهمیت عراق از نظر تعداد شیعیان، ۶۰ درصد جمعیت ۳۰ میلیونی عراق، و همچنین از نظر تاثیر فکری و ایدئولوژیک، مهم‌ترین گروه شیعه در جهان عرب بر شیعیان منطقه از اهمیت خاصی برخوردار شده است. بنابراین تحولات سیاسی عراق سبب شده است تا شیعیان عراق به مرکز اثرگذار هویت و رفتار سیاسی سایر شیعیان عرب تبدیل شوند و شیعیان منطقه که همواره با دیده تردید نسبت به وفاداری آنان به دولت مرکزی نگریسته شده است و در وضعیت نابسامان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار دارند، به دنبال تثبیت قدرت خود و بهبود اوضاع سیاسی و اقتصادی خود برآیند و زندگی سیاسی جدیدی را با بازتعریف جایگاه شیعیان به‌عنوان یک مذهب موثر در منطقه آغاز کنند. لذا با افزایش نگرانی از پررنگ شدن نقش عنصر شیعی در ساختار قدرت منطقه و تقویت جایگاه هژمونیک جمهوری اسلامی ایران در جهان عرب، طرح هلال شیعی یا ژئوپلیتیک شیعه مجددا مطرح شده است. از این‌رو نگرانی از ژئوپلیتیک متحول شیعه در خاورمیانه در نشست ژنرال‌های آمریکایی در آوریل ۲۰۰۳ طرح شده و به دولت آمریکا توصیه شد که برای ایجاد امنیت در منطقه خاورمیانه، هلال دموکراسی در کشورهای شیعه‌نشین به‌وجود آید. (Kessler & Priest, 2003: 8)

در سطح بین‌المللی نیز تقویت عنصر شیعه در عراق جدید و تاثیرات آن بر سیاست بین‌الملل عراق می‌تواند زمینه‌های فرصت‌سازی زیادی را در چارچوب تنظیم سیاست بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران و حل معضلات راهبردی این کشور در منطقه و با قدرت‌های بزرگ جهانی همچون آمریکا فراهم سازد. بی‌تردید بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر بر اهمیت نقش ایران برای نظام بین‌الملل و قدرت‌های بزرگ در ایجاد ثبات و امنیت منطقه‌ای افزوده شده است. اهمیت نقش جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید بر یک منطق ساده استوار است: حفظ ثبات در عراق برای آمریکا دارای اهمیت حیاتی است. ایران دارای ابزارهای نفوذ قوی در جهت حفظ امنیت و ثبات است، بنابراین آمریکا برای

حفظ امنیت در عراق به جمهوری اسلامی ایران نیاز دارد. این امر فرصت گرانبهائی را در اختیار ایران قرار می‌دهد که با کسب امتیازات جدید زمینه‌های فرصت‌سازی در سیاست خارجی خود را افزایش دهد و به تعریف جدیدی از نقش خود در منطقه بپردازد. (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۶۵)

از فرصت‌های دیگری که با توسعه قدرت شیعیان در ساختار سیاسی عراق ایجاد شده است، وضعیت گروه‌های معارض ایرانی مستقر در داخل عراق، از جمله حزب دموکرات، کموله و به‌ویژه حضور سازمان مجاهدین خلق و همچنین گروه‌های سلفی و داعش در آن کشور است که جمهوری اسلامی ایران با ارتباط خود با دولت مرکزی عراق توانایی آن را به‌دست آورده که در سرکوب و کنترل آنها دست بالایی داشته باشد. علاوه بر این، با توجه به ارتباط زمینی عراق با منطقه شرق مدیترانه، ایران می‌تواند با اتصال مطمئن زمینی با سوریه، لبنان و سرزمین‌های اشغالی فلسطین و گروه‌های هوادار جمهوری اسلامی ایران در منطقه ارتباط داشته باشد. ضمن آنکه با توسعه شبکه‌های انتقال انرژی به غرب از طریق خاک عراق، از تنگناهای تنگه هرمز نیز رهایی می‌یابد.

طبق تحلیل اندیشمندان غربی، تحت شرایط جدید منطقه‌ای و از طریق ایجاد یک هلال شیعی، جمهوری اسلامی ایران قادر به گسترش قدرت منطقه‌ای و به‌هم زدن توازن قوای سنتی خواهد بود. اگر این امر محقق شود، ایران قادر به دیکته کردن شرایط و سیاست‌های خود به جامعه بین‌المللی و به‌خصوص به ایالات متحده در موضوعاتی حیاتی چون امنیت جهانی انرژی، قیمت نفت و حتی در رابطه با سیاست مستحکم هسته‌ای خود خواهد بود. (Nasr, 2006: 7) نقش و نفوذ ایدئولوژیکی رو به رشد ایران در منطقه موقعیت نخبگان محافظه‌کار سنی را که به‌صورت سنتی در راستای سیاست‌های آمریکا در منطقه عمل کرده‌اند، تضعیف خواهد کرد. به‌ویژه اکنون با رشد عواطف ضدآمریکایی در بین توده‌های عرب، جایگاه و مشروعیت این نخبگان به‌شدت زیر سوال خواهد رفت؛ چون آنها بودند که ابتدا با حضور آمریکا در منطقه موافقت کردند. این موضوع همچنین یک بهانه عمده برای گروه‌های تروریستی مانند القاعده بود که بر اساس آن دولت‌های عربستان سعودی و اردن را در سال‌های اخیر هدف حمله قرار دهند. (Mearsheimer & Walt, 2006)

درخواست آمریکا از جمهوری اسلامی ایران به‌منظور مداخله در حل مناقشات منطقه‌ای به‌خصوص در عراق و افغانستان (روزنامه کیهان، ۲۴ شهریور: ۱۰) و همچنین مجبور شدن آمریکا و

غرب برای نشستن به پشت میز مذاکره و حل مسئله هسته‌ای ایران و پایان دادن به تحریم‌ها و مشارکت دادن جمهوری اسلامی ایران در حل بحران‌های منطقه‌ای از جمله بحران سوریه، مصداق بارز قدرت‌یابی ایران در منطقه است که با تحلیل اندیشمندان غرب در مورد این کشور، تطابق واقعی دارد. لذا این فرصت‌ها در جهت منافع ملی و ارتقاء جایگاه منطقه‌ای ایران موثر بوده که به تبع آن سایر بازیگران منطقه‌ای مثل عربستان را بر آن داشته تا در رقابت با آن، اقدامات مقابله‌جویانه‌ای را دنبال نماید.

شناخت انگیزه‌ها و تاکتیک‌های عربستان سعودی برای موازنه‌سازی بر ضد جمهوری اسلامی ایران پس از شکل‌گیری عراق نوین و بررسی منافع و اهداف راهبردی ایران در عراق، تحلیل روابط رقابت‌آمیز ایران و عربستان را در این کشور در قالب نظریه بازی‌ها امکان‌پذیر می‌کند.

اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید

بهره‌گیری از کدهای ژئوپلیتیکی عراق در راستای منافع ملی و تقویت محور مقاومت، حل مشکلات مرزی و ادعاهای الحاق‌گرایان عراق، رهایی از تنهایی استراتژیک در منطقه خاورمیانه، تلاش در تقویت دولت ملی متمایل به خود در عراق با محوریت حاکمیت شیعه، اطمینان خاطر از سد نفوذ قدرت‌های رقیب به خصوص عربستان، اسرائیل و داعش، بهره‌برداری از محیط اقتصادی عراق و انتقال انرژی از خاک عراق به مدیترانه، از جمله اهداف سیاست خارجی ایران در عراق می‌باشد.

بهره‌گیری از کدهای ژئوپلیتیکی عراق در راستای منافع ملی و تقویت محور مقاومت

عراق مهم‌ترین همسایه جمهوری اسلامی ایران است و بیشترین مرز مشترک را با آن دارد (۱۵۸۶ کیلومتر). دو قوم مهم کرد و عرب هر دو کشور نیز، هم‌مرز هستند. محدودیت عراق در دسترسی به آب‌های آزاد، موضع فرودستی در مباحث هیدروپلیتیک، ماهیت تحمیلی مرزها در کشورهای خاورمیانه، بیشترین جمعیت شیعه، مسائل مربوط به قوم کرد و عرب، بحث الحاق‌گرایی، و... از مسائلی هستند که بر سیاست خارجی دو کشور ایران و عراق سایه افکنده‌اند. (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹) جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از کدهای ژئوپلیتیکی عراق، یعنی

قومیت کرد، مذهب شیعه، محدودیت دسترسی به آبهای آزاد و معضل فرودستی هیدروپلیتیکی (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۵) می‌تواند از ژئوپلیتیک عراق بهره‌برداری کند و با برتری موقعیت و وزن ژئوپلیتیک خود، توانایی تغییر رفتار در عراق جدید را دارد و از این ابعاد در راستای تامین امنیت مرزها و تقویت محور مقاومت در منطقه و توسعه ژئوپلیتیک شیعه و عمق راهبردی خود بهره‌مند شود. ایران در تلاش است با کنترل این کدهای ژئوپلیتیکی در عراق از دخالت‌های نیروهای فرامنطقه‌ای رقیب از جمله اسرائیل و عربستان در منطقه کردنشین جلوگیری به عمل آورد.

حل مشکلات مرزی و ادعاهای الحاق‌گرایان عراق

سیاست خارجی عراق جدید همانند دوران پادشاهی و جمهوری تا حدود زیادی از منابع پایدار و ثابت داخلی و جغرافیایی متأثر است و ناسازگاری میان هویت و حاکمیت یا دولت و ملت، و دشواری‌های ژئوپلیتیکی، اقتصاد وابسته به نفت و هویت و ارزش‌های مشترک عربی از مولفه‌ها و ویژگی‌های اصلی آن هستند و به‌رغم تغییر ساختار حقوقی و سیاسی این عناصر و ویژگی‌ها چندان تغییر نکرده و بعید است در آینده نزدیک دگرگون شوند. (خسروی، ۱۳۸۹: ۵۹) حل‌وفصل اختلافات مرزی، کنترل ادعاهای الحاق‌گرایانه عراق نسبت به خوزستان و متعهد بودن به معاهده ۱۹۷۵ الجزایر و همچنین حل مشکلات فرادستی جمهوری اسلامی ایران در مسئله رودخانه‌ها و نگرانی‌های عراق از بحران مسئله آب‌هایی که از ایران وارد عراق می‌شود (نامی، و محمدپور، ۱۳۸۷: ۳)، از جمله مسائلی هستند که جمهوری اسلامی ایران به شیوه مسالمت‌آمیز با یک دولت هم‌سو و همکار در عراق، می‌تواند بهتر در مورد آنها به نتیجه مطلوب برسد.

رهایی از تنهایی راهبردی در منطقه خاورمیانه

جمهوری اسلامی ایران تنها کشور شیعی در خاورمیانه است و در قبال حضور بیگانگان و تقویت محور مقاومت، متحد راهبردی ندارد. یکی از اهداف سیاست خارجی ایران، تبدیل عراق به یک همکار و متحد راهبردی شیعی در منطقه است تا از این راه، حلقه اتصال با سوریه و محور مقاومت محکم‌تر شود. مبارزه با داعش و جلوگیری از تسلط آن بر این مسیر مصداق این گفتار

است؛ همچنان که می‌توان جنگ داعش در عراق و تسلط بر مسیر مذکور را با حمایت و پشتیبانی عربستان، در راستای جلوگیری از تسلط و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در این منطقه تفسیر نمود.

تلاش در تقویت دولت ملی عراق

در عراق جریانات سیاسی متعددی وجود دارند: یک. بعثی‌ها؛ دو. جریان سلفی؛ سه. جریان شیعیان سکولار؛ چهار. جریان شیعیان اصول‌گرای مخالف ایران مانند جمال‌وکیل، حسین‌صدر، سید محمد بحر العلوم، شیخ‌محمد باقر ناصری و غیره؛ پنج. جریان شیعیان اصول‌گرای مستقل مانند آیت‌الله سیستانی، حسین شهرستانی و غیره؛ و شش. جریان شیعیان اصول‌گرای هم‌گرا با ایران مانند مجلس علا، سازمان بدر، الدعوة الاسلامیه و... .

ایران از ائتلاف شیعه و کرد متمایل به خود حمایت می‌کند و در خصوص اهل سنت، تلاش دارد تا آنها برای رسیدن به اهداف سیاسی، منافع و حقوقشان به تهران متوسل شده و خواسته‌های خود را از اینجا مطالبه و دریافت کنند (خبرگزاری فارس، جلالی، ۱۳۹۳) تا به این شکل حاکمیت ملی متمایل به ایران در عراق تقویت شود. این موضوع باعث می‌شود که کشورهای همسایه و کشورهای خارج از منطقه که قصد بازیگری و نقش‌آفرینی منفی در عراق را دارند، عرصه کمتری برای بازیگری مخرب پیدا کنند.

در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران به تقویت علما و مراجعی که رویکردهای وحدت‌بخش و میانه‌رو دارند، می‌پردازد و همچنین به تقویت اهل سنت حنفی در مقابله با حنبلی‌ها که مورد حمایت وهابی‌ها هستند، پرداخته است. ضمن اینکه جمهوری اسلامی ایران به دنبال آرایه الگوی حکومتی و انتقال تجربیات دولت-ملت‌سازی خود به عراق می‌باشد.

کنترل نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

فعالیت حزب کارگران کردستان، ایجاد دولت فدرال و گسترش نفوذ اسرائیل در این منطقه، فعالیت وهابیت و داعش و باقی‌ماندگان حزب بعث با حمایت عربستان سعودی و حضور طولانی مدت آمریکا در عراق، از جمله نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به دیدگاه‌ها و

اشتراکات ذهنی اسرائیلی‌ها و کردها، در تشکیل کشوری برای خود، ایران با نگرانی به نفوذ و حضور نیروهای منطقه‌ای، افزایش نفوذ اسرائیل در شمال عراق و تاثیر آن بر تنوع قومی در این کشور می‌نگرد. همچنین با توجه به ارتباط قوی اهل سنت با عربستان و ریشه‌دار بودن قدرت سنی‌ها در ساختار سیاسی عراق، جمهوری اسلامی ایران نگران از بازگشت آنها به ساختار قدرت و توسعه نفوذ وهابیت است. ضمن اینکه منافع راهبردی جمهوری اسلامی ایران در عراق محدود به مرزهای جغرافیایی این کشور نیست، بلکه شامل کل منطقه می‌شود، همچنان‌که از خاک عراق قصد عبور و اتصال به محور مقاومت و سوریه را دارد. به‌همین علت به حضور عربستان، آمریکا و اسرائیل و داعش در عراق به‌عنوان عامل بازدارنده و مانع این منافع می‌نگرد.

توسعه روابط اقتصادی و بهره‌برداری اقتصادی و راهبردی از عراق

حجم مبادلات تجاری بین دو طرف در سال ۲۰۱۳، ۱۲ میلیارد دلار در سال بوده که ۵۰ درصد از این میزان تولیدات غیرنفتی است. همچنین جمهوری اسلامی ایران ۱۰ درصد از نیاز عراق به برق را تامین می‌کند. عراق مقصد اصلی زائران ایرانی است که تعدادشان به ۴۰ هزار نفر می‌رسد. (شیعه‌آنلاین، الصمادی، ۱۳۹۳) اقداماتی نیز برای توسعه بیشتر روابط اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور در مناطق مرزی از صورت گرفته است. (ستاد توسعه اقتصادی ج.ا. ایران و عراق، ۱۳۹۴) تامین گاز و برق و مصالح ساختمانی اقلیم کردستان عراق و همچنین کاهش تعرفه و مالیات و گمرکات در مبادلات تجاری دو کشور از نمونه بارز بهینه بودن روابط اقتصادی دو کشور خبر می‌دهد. (سایت ستاد توسعه اقتصادی ج.ا. ایران و عراق، ۱۳۹۴) ایران هدف توسعه این فرصت‌ها را در منطقه غرب آسیا نیز دارد تا از تنگناهای تنگه هرمز نیز رهایی یابد. در همین راستا ایران در پی انتقال انرژی از خاک عراق به مدیترانه می‌باشد.

اهداف سیاست خارجی عربستان در عراق

سعودی از زمان سقوط صدام حسین، نگرانی‌هایی را در این کشور تجربه کرده است. پیدایش دولت مستقل و دموکراتیک شیعی در همسایگی عربستان، از دو جهت مایه دلهره و تشویش خاطر

دولتمردان سعودی شده است: یک. دولت عراق تنها دولت عرب خلیج فارس است که در فرایند انتخاباتی سکاندار امور شده و این به معنای بیدار باشی برای اعراب منطقه است؛ دو. حضور شیعیان در راس هرم سیاسی عراق و نفوذ روزافزون ایران در این کشور به منزله برقراری ترتیبات سیاسی و امنیتی جدیدی در محیط عربی - اسلامی منطقه است که موقعیت سعودی را در مرز هشدار قرار داده است. (خضری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷۵) لذا به قدرت رسیدن شیعیان در عراق از نظر امنیت ملی و داخلی و تحلیل قدرت منطقه عربستان و افزایش قدرت رقیب سنتی آن مورد توجه آل سعود می باشد. بر این اساس این اهداف و راهبردها را می توان در دستگاه سیاست خارجی عربستان در منطقه خاورمیانه استخراج نمود.

ثبات و حفظ امنیت در داخل عربستان

عربستان سعودی بیشترین مرز خاکی را با عراق دارد و این مرز به دلیل شرایط خاص جغرافیایی منطقه ناامن، مبهم و غیرقابل دفاع بوده و همواره منشأ نگرانی های امنیتی برای رژیم سعودی بوده است. بزرگترین ترس سعودی این است که سرازیر شدن تروریست ها، به ایجاد بی نظمی و بی ثباتی در این منطقه بینجامد و این بی ثباتی به داخل عربستان کشیده شود. (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۰) ریاض علاوه بر دخالت و کارشکنی در عراق پس از سقوط صدام، میلیاردها دلار برای ساخت دیوار امنیتی حائل در مرز با عراق هزینه کرده است تا مانع سرایت خشونت موجود در عراق به این کشور شود. (کردپرس، کرمی، ۱۳۹۰) علاوه بر این، عربستان با حمایت از سنی های افراطی خارج از کشور و جلوگیری از فعالیت آنها در داخل عربستان می تواند از شر افراط گرایی و مشکل امنیتی آن برای خاندان آل سعود نجات یابد. حمایت تسلیحاتی ریاض از بن لادن در زمان رهبری جهادگران در افغانستان و مدارا کردن با مبارزان چچن، بوسنی و سوریه از آن جمله است. حمایت عربستان از داعش نیز در این راستا قابل تحلیل می باشد. به این شکل عربستان می تواند با تقویت گروه های تروریستی به هدف دیگر خود یعنی تضعیف دولت شیعی در عراق و دولت علوی دمشق که هر دو متمایل به جمهوری اسلامی ایران هستند، دست یابد.

کنترل سیاست‌های تولید نفت

ریاض به شکل سنتی همواره تلاش کرده تا با استفاده از قدرت تولیدی خود، بازار نفت را در راستای تعدیل قیمت‌ها نگاه دارد، حال آنکه از دیدگاه بغداد این کار به نفع اقتصاد در حال بازسازی این کشور که به منابع عظیمی از پول نیاز دارد، نبوده و به توسعه این کشور آسیب می‌رساند. (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۰) اگر عراق به ثبات و آرامش دست یابد و یک حکومت مقتدر در این کشور برپا گردد، به احتمال زیاد اختلافات بین دو کشور در عرصه سیاست‌گذاری نفت، بار دیگر خود را نشان خواهند داد؛ چرا که عراق باز هم برای بازسازی و پرداخت بدهی‌های خود، خواهان بالا نگه داشتن قیمت نفت و نیز تخصیص در سهمیه تولیدی بیشتری از سوی اوپک خواهد شد.

جلوگیری از قدرت‌یابی و نقش‌آفرینی عراق در منطقه

نقش عربستان در سیاست خارجی آمریکا برای کنترل جمهوری اسلامی ایران، همچنین نفوذ سعودی‌ها بر جناح اکثریت در لبنان و حمایت مؤثر سیاسی و امنیتی از سنی‌های عراق، در کنار نقش و تاثیر در تلاش‌های صلح اعراب و اسرائیل، حاکی از تلاش عمیق سعودی‌ها در سال‌های اخیر برای تحکیم موقعیت رهبری خود در جهان عرب است. بنابراین در سطح منطقه‌ای هدف اصلی این کشور تداوم نقش برتر یا هژمونی این کشور در شبه‌جزیره عربی و متعاقب آن در خاورمیانه اسلامی است و هر تحولی که این هژمونی را به چالش بکشد، تهدیدی برای امنیت و منافع ملی عربستان خواهد بود. (کردپرس، کرمی، ۱۳۹۰) عربستان نگران است که با افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی اقتصاد عراق قوی شود و به تبع آن نقش و نفوذ آن در اوپک و منطقه افزایش پیدا کند. از این رو مایل به ادامه حضور آمریکا با هدف کنترل بغداد است.

کنترل قدرت‌های رقیب

این برداشت بسیاری از تحلیلگران غربی و منطقه‌ای است که جمهوری اسلامی ایران از یک سو با سازمان‌دهی عناصر شیعه در کشورهای هم‌جوار، اقمار وابسته به خود را تاسیس و از سوی دیگر، مناطق جغرافیایی اسلام را محاصره کرده است. فعالیت ایران در لبنان، سوریه، یمن و ... در این راستا تفسیر شده است. بر طبق این گفته‌ها، جمهوری اسلامی ایران غیر از خود صاحب دو یا

دو نیم حکومت دیگر است که عبارتند از: عراق، سوریه و لبنان. همچنین در حال اضافه کردن حکومت دیگر (یمن) به این فهرست است. ضمن اینکه برای بحرین نیز فعالیت‌های نظام‌مند دارد. (سایت کیهان، ۱۳۹۳) عربستان این روند را برخلاف منافع خود می‌داند و در پی کنترل و به‌چالش کشیدن جمهوری اسلامی ایران در عراق می‌باشد تا حرکات راهبردی ایران را در منطقه مانع شود و محدود نماید.

تلاش برای کنترل قدرت شیعیان در قدرت سیاسی عراق

در زمان صدام حسین، مذهب یکی از عوامل نزدیکی بغداد و ریاض بود و تسلط یک حکومت سنی بر عراق، برای عربستان به اندازه عربی بودن این حکومت اهمیت داشت و بر این اساس، مقامات سعودی، دغدغه‌ای از جانب مذهب در عراق در زمان صدام نداشتند. با سقوط صدام، این وضعیت به یک‌باره تغییر کرد و شیعیان در تمام صحنه‌های سیاسی و اجتماعی عراق حضور یافتند و الگویی را به دیگر شیعیان عرب در خلیج فارس ارائه دادند که می‌تواند به بیداری و تکاپوی سیاسی آنان بینجامد. این امر به‌معنای تغییر سلطه اهل سنت بر کشورهای حوزه خلیج فارس تعبیر شده و به بسیج کلیه شیعیان منطقه برای بهره‌گیری از این فرصت و کسب قدرت سیاسی و اجتماعی منجر می‌گردد؛ تحولی که عربستان نیز از آن در امان نخواهد بود. بر همین اساس عربستان یکی از اهداف اصلی خود را کنترل تشیع در عراق و به‌تبع آن در تمام منطقه تعیین نموده است.

علل تقابل جویی عربستان در قبال جمهوری اسلامی ایران در عراق

تحولات صورت گرفته در عراق جدید؛ از جمله، قدرت‌یابی شیعه و خروج آمریکا از عراق، موجبات توسعه نفوذ راهبردی و افزایش قدرت ایران در منطقه شده است. این مسئله برای عربستان که به‌عنوان همکار هم‌زمن در خاورمیانه می‌باشد و با کمک آمریکا می‌توانست از قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران در منطقه جلوگیری کند، نگران‌کننده است، به‌گونه‌ای که سعودی خود را بازنده این بازی و محاصره شده توسط نیروهای مورد حمایت ایران تلقی می‌کند. لذا در برابر اقدامات ایران و یا فرصت‌هایی که موجبات تقویت موقعیت ایران در منطقه را ایجاد

نموده‌اند، حرکاتی را به‌منظور جلوگیری از این وضعیت تدارک دیده است.

تقویت محور سنی - عربی: تلاش عربستان به حل اختلاف بین گروه‌های مختلف و اتحاد سنی‌های عراق در راستای اجرای طرح تجزیه این کشور با برگزاری کنفرانس‌هایی با مشارکت بعضی از کشورهای غربی خوشنام در عراق مانند فرانسه (۱۳۹۴/۲/۲۱، irinn.ir)، کمک گرفتن از ایدئولوژی وهابیت بر ضد شیعیان عراق، و تلاش عربستان برای بازگشایی سفارت در عراق (سایت تابناک، ۱۳۹۳) را می‌توان در راستای تقویت هویت سنی و سد نفوذ ایران در عراق قلمداد نمود.

سعودی همچنین از طریق همکاری نزدیک با علمای وهابی راهبرد مهار مذهب تشیع را دنبال می‌کرد تا با ایجاد شبکه‌ای از حوزه‌های علمیه، مساجد، موسسات آموزشی، مبلغان، فعالان سیاسی، نویسندگان، خبرنگاران و دانشکده‌های اسلامی که بر هویت سنی تاکید و تبلیغ می‌کردند، این هویت را در راستای عقاید وهابیت و ستیزه‌جویی علیه اهل تشیع در سراسر خاورمیانه بزرگ گسترش دهند و مذهب تشیع را از تسنن باز بشناسانند و مانع از تاثیر ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه شوند. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۳۹)

دامن زدن به شیعه - ایران هراسی: سعودی‌ها، جمهوری اسلامی ایران را متهم به شیعه‌گرایی می‌نمایند. آنها با برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی، فعالیت‌های مجمع اهل بیت، جامعه‌المصطفی، بورسیه‌کردن دانشجویان مسلمان، گسترش شبکه‌های تلویزیونی به زبان‌های خارجی، و انتشار کتب دینی مذهبی در کشورهای سنی‌نشین، تلاش دارند اقدامات ایران در مراسم حج و ارتباط ایران با دولت‌ها و ملت‌های اسلامی را در راستای شیعه‌گرایی تلقی نمایند. از این رو مقامات ریاض می‌کوشند ایران را به‌عنوان تهدید اصلی کشورهای اسلامی جایگزین رژیم صهیونیستی کنند. تاکنون سعودی همواره سعی داشته همکاری و نقش خود را در پروژه ایران‌هراسی و تضعیف ایران با غربی‌ها مخفی کند، اما در این مقطع موضع‌گیری آشکار و نسنجیده مقامات ارشد سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل به افشای این اقدامات منجر شده است. (seratnews.ir)

ائتلاف با اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران: در سال‌های اخیر عربستان در توسعه روابط سیاسی و امنیتی خود با اسرائیل نشان داده که حاضر است در کنار اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران حمله نظامی کند و علاوه بر این، نشانه‌هایی از همکاری و حمایت دوجانبه اسرائیل و عربستان

در حمایت از گروه‌های تروریستی مورد بهره‌برداری هر دو طرف وجود دارد. از جمله همکاری‌های طرفین می‌توان به قرار دادن مناطق اشغالی از جانب اسرائیل در اختیار عربستان به مدت یک سال و نیم برای عبور سلاح برای رسیدن به دست جریان‌های تروریستی در منطقه جولان اشاره نمود. (دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲) «شبکه دوم تلویزیون اسرائیل نتایج یک نظرسنجی را از افکار عمومی سعودی‌ها منتشر کرده است. طبق آن، ۵۳ درصد سعودی‌ها، جمهوری اسلامی ایران را دشمن می‌دانند و تنها ۱۸ درصد آنها معتقدند اسرائیل، دشمن سعودی‌هاست. (پایگاه تحلیلی خبری انتخاب، ۱۳۹۴) لذا به هر شکلی، حتی به قیمت بدنامی در نزد افکار عمومی مسلمانان منطقه، عربستان تلاش دارد ائتلافی از غرب و اسرائیل و رژیم‌های عربی محافظه‌کار در قبال ایران تشکیل و به توسعه نفوذ آن در منطقه پایان دهد.

تقویت توان نظامی: مقام‌های سعودی نگران هستند که بهبود وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو و بهبود روابط تهران - واشنگتن موجب تهدید منافع عربستان سعودی شود. ضمن اینکه عربستان با عدم ثبات در مرزهای شمالی و سقوط دولت مورد حمایت ریاض در صنعا و قدرت گرفتن شیعیان حوثی در یمن روبه‌روست. (ندیمی، ۱۳۹۴، خبرنامه ابرار معاصر) ریاض برای حفظ نفوذ خود در منطقه و جهان نیازمند کاهش و محدود کردن نفوذ ایران به‌ویژه در عراق و سوریه از طریق توسعه و برابر سازی نیروهای نظامی متعارف خود با جمهوری اسلامی است. البته عربستان به هسته‌ای شدن نیز فکر می‌کند. (سایت فردا نیوز، ۱۳۹۴) عربستان سعودی در راستای تقویت و تقابل با ایران دو برنامه جدی را در حوزه نظامی مورد توجه قرار داده است: یک. تلاش برای دستیابی به سلاح هسته‌ای؛ و دو. توسعه برنامه موشکی. (سایت الف، ۱۳۹۳)

هم‌سویی با ترکیه: تا قبل از سقوط صدام حسین، عراق و عربستان روابط حسنه‌ای با ترکیه نداشتند، اما قدرت گرفتن شیعیان و جمهوری اسلامی ایران در منطقه به نفع آنها نبود. خیزش جهان عرب، بهره‌گیری از قدرت نظامی ترکیه در جهت تامین امنیت اعراب حوزه خلیج فارس، اشتراک نظر آنها در بحران سوریه و یمن و سد نفوذ ایران در خاورمیانه، اهمیت روابط اقتصادی طرفین و هم‌پیمانی با آمریکا در منطقه، از عواملی‌اند که در نزدیکی روابط راهبردی عربستان و

ترکیه در خاورمیانه موثر بوده و اتحاد و ائتلاف آنها را علیه ایران ترتیب می‌دهد.

هرچند که استراتژیست‌های سعودی با دید تردیدآمیز نسبت به نیت ترکیه نگاه می‌کنند، ولی مهار جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌گر نظام امنیتی کشورهای حاشیه خلیج فارس، اولویت اصلی ریاض و دیگر متحدانش در منطقه خواهد بود. (خبرگزاری فارس، کرمی، ۱۳۹۲)

به‌نظر می‌رسد ترکیه و عربستان، سوریه را مرکز ثقل توازن قوا در منطقه پس از سرنگونی صدام و وقوع بهار عربی می‌دانند و بر همین اساس سوریه را دروازه‌ای برای ورود به عراق می‌بینند و از این‌رو دولت بغداد را بیش از پیش در تنگنا قرار داده‌اند. پذیرفتن طارق الهاشمی، نخست‌وزیر سنی عراق به پناهندگی سیاسی ترکیه و ارتباط نزدیک ترکیه با اقلیم سنی کردستان نیز می‌توانست بر ارتباط راهبردی عربستان و ترکیه کمک کند.

استفاده از داعش: بسیاری از تحلیلگران غربی، داعش را ابزار و مورد حمایت عربستان می‌دانند و حمله داعش به عراق را جنگ عربستان علیه ایران تحلیل نموده‌اند. (سایت اشرف، ۱۳۹۳) با پیروزی مالکی در انتخابات سال ۲۰۱۴، حمایت اهل سنت عراق از داعش افزایش یافت. همچنین دولت‌های عربی منطقه با حمایت مالی و نظامی از داعش می‌کوشند دوباره حکومتی سنی در عراق برسرکار بیاورند. تا بدین‌وسیله با شکست اولین دولت شیعی عربی، شیعیان آرام و قدرت ایران کاهش یابد. (صاحب نیوز، سالدورگر، ۱۳۹۳) عربستان به‌عنوان سردمدار تلاش‌ها برای بی‌ثبات کردن اوضاع عراق و نابودی حکومت شیعه این کشور است.

عربستان بنا به دلایلی از کارت داعش در حوزه عراق استفاده می‌کند: نخست اینکه داعش به دولتی حمله‌ور شده که در نتیجه انتخابات سال ۲۰۱۰، برخلاف میل عربستان منجر به بهبودی اوضاع سیاسی شیعه و به‌تبع آن موقعیت جمهوری اسلامی ایران شده است؛ دوم اینکه، عربستان با اقدامات داعش، خطوط ارتباطی ایران با ساحل شرقی دریای مدیترانه را دچار مشکل نموده است. این پل ارتباطی از راه عراق و به‌ویژه مناطقی در غرب عراق - که به اشغال داعش درآمده - ایران را به سوریه و لبنان وصل می‌کند. عربستان پس از ناکامی در از بین بردن حکومت سوریه، تلاش کرده است ارتباط ایران و سوریه را قطع کند تا آسیبی جدی به اتحاد دو طرف بزند. تسلط داعش در موصل، صلاح‌الدین و الانبار، ارتباط نظامی بین تهران و حزب‌الله را قطع و توازن نظامی را

در عراق، سوریه و لبنان به هم خواهد زد.

البته عربستان از حضور داعش در عراق حمایت می‌کند تا توجهشان را از حکومت عربستان به سمت هدفی فوری‌تر یعنی عراق منحرف و همچنین «دولت نامطلوب شیعی» را تضعیف نماید. علاوه بر این، می‌تواند ادامه حضور آمریکا را تداوم بخشد. (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۹) با این اقدام به اهداف دیگر؛ از جمله، درگیر نمودن ایران در مسائل امنیتی غرب، تضعیف زمینه‌های حضور ایران در عراق با تضعیف نیروهای طرفدار آن و حضور بیشتر آمریکا در عراق و به تبع آن در منطقه و تداوم بیشتر همکاری عربستان و آمریکا نیز دست خواهد یافت.

هرچند داعش برای خود عربستان نیز خطرناک می‌باشد، عربستان در عراق از کارت داعش برای تضعیف دولت شیعی متمایل به ایران بهره می‌برد، غافل از اینکه این مسئله می‌تواند به حضور بیشتر نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران بینجامد.

تلاش برای نزدیکی با اخوان المسلمین: گزارش‌هایی مبنی بر گسترش فعالیت‌های دیپلماتیک عربستان در خاورمیانه و به خصوص عراق، در راستای این منظور مشاهده می‌شود. روزنامه لبنانی *الاخبار* ضمن بررسی روندهای جدید سیاست خارجی عربستان، به تلاش‌های دیپلماتیک ریاض مبنی بر تغییر جهت‌گیری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای این کشور تحت نظر پادشاه جدید و به سیاست عربستان بر مبنای شکل دادن به یک اتحاد منطقه‌ای علیه ایران و بهبود روابط با ترکیه، قطر و اخوان المسلمین و ... اشاره می‌کند. (دیپلماسی ج. ا. ایرانی، ۱۳۹۳) در این مورد کانترپانچ می‌نویسد: «سعودی‌ها خواهان پایان دادن رابطه جمهوری اسلامی ایران با کشورها و گروه‌های سنی جهان اسلام هستند. هرچند که خصومت اخوان المسلمین با ریاض نیز به‌طور نسبی شدید می‌باشد.» (باشگاه پژوهشگران جوان، ۱۳۹۳) اما ارتباطات بین حماس و عربستان و اشتراک نظر آنها در مورد فشار اسد نشانه‌هایی از موفقیت سعودی‌ها در برقراری روابط حسنه با اخوان المسلمین است.

نتیجه‌گیری

عدم وجود یک سیستم امنیت دسته‌جمعی در خاورمیانه باعث شده که سیستم سنتی موازنه قوا برای تامین امنیت این منطقه مدنظر بازیگران مطرح آن قرار بگیرد. لذا همه دولت‌ها به دنبال

افزایش قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود به‌گونه‌ای هستند تا با برتری‌یابی بر رقیب از لحاظ مادی و معنوی، ضمن تامین امنیت خود نقش برتر در مسائل منطقه‌ای ایفا نمایند و به پرستیژ قدرت بپردازند. ایران و عربستان به‌عنوان دو کشور مطرح خاورمیانه به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی و همچنین سقوط صدام و بیداری اسلامی، در تلاش بوده‌اند تا به نقش‌آفرینی بیشتر در خاورمیانه بپردازند و از این طریق با کسب موقعیت‌های ایدئولوژیک و راهبردی برتر خاورمیانه امنیت و جایگاه آینده خود را تضمین نمایند. با این اقدامات، این دو کشور وارد بازی تقابلی شده که اولین حوزه اجرایی آن عراق می‌باشد. ضمن اینکه رقابت‌های آن دو در مناطق اشغالی فلسطین همچنان پابرجاست؛ رقابت آنها به کشورهای سوریه، یمن و بحرین نیز کشانده شده است. بنا به مبانی، منافع و دیدگاه‌های متعارض و متفاوت در ایدئولوژی و نگاه راهبردی و بلندپروازی این دو کشور، نوع بازی حاکم بر روابط آنها در خاورمیانه در اکثر موارد در قالب تئوری حرکت - حرکت و قاعده حاصل جمع جبری صفر قابل تحلیل و تبیین است.

با تغییر رژیم در عراق، اقلیت سنی مخالف ایران، از رهبری این کشور محروم شد و اکثریت شیعه زمام امور را به‌دست گرفت و با ارتباطات خود با ایران به بهبود موقعیت آن در خاورمیانه منجر شد. عراق متمایل به عربستان و اعراب منطقه، به منزله تنگ‌تر بودن حلقه انزوا علیه جمهوری اسلامی ایران بود، اما عراق متمایل به ایران به‌منظور اتحاد ژئوپلیتیک شیعه به‌معنی برهم خوردن توازن قدرت در منطقه و خط گرایش‌های جدایی‌طلبانه از سوی شیعیان عربستان سعودی است.

علاوه بر این، عربستان یکی از کشورهای عرب سنی را در جبهه عرب - سنی و همچنین یکی از دشمنان شیعه و ایران را در منطقه از دست داد. در عوض یک دشمن دیرینه جمهوری اسلامی ایران از میدان بیرون رفت و آزادی عمل آن را در جبهه غرب و جنوب غرب به‌دنبال داشت. ایجاد دولتی دموکراتیک در عراق، در بلندمدت می‌تواند ثبات ساختار سیاسی و مشروعیت حکومت سعودی را تحت تاثیر قرار دهد. روند تحولات عراق و قدرت‌یابی شیعیان در این کشور، براساس قواعد دموکراتیک، از منظر وجود اقلیت شیعی در عربستان و اثرپذیری آنها از شیعیان عراق نیز قابل توجه است و این مسئله از نظر افزایش تقاضاهای جامعه شیعی عربستان و پیامد آن برای تعاملات شیعی - سنی برای مقامات سعودی اهمیت دارد. این مسائل همراه با سقوط طالبان، تغییر

حاکمان سنی در منطقه و خروج نیروهای آمریکایی از عراق در راستای افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در این کشور، امتیازهای دیگری است که به ایران تعلق گرفته و عربستان از آن محروم مانده است. لذا طبق نظریه بازی‌ها در ماتریس بازی‌ها جمهوری اسلامی ایران چند امتیاز به‌دست آورده و عربستان چند امتیاز از داده است.

لذا این موفقیت‌ها برای ایران، راهبردهایی را از جانب رقیب سنتی آن ایجاب می‌کند که در قالب تئوری حرکت - حرکت می‌گنجد. ریاض برای تقابل با تهران و جبران شکست در بازی عراق، به اقداماتی چون تقویت هویت سنی به‌عنوان واکنشی در برابر احیای هویت شیعی، کمک به جنگ‌های فرقه‌ای در عراق، دامن‌زدن به ناامنی‌ها، تحریک سلفی‌گری، کمک به داعش، شیعه - ایران‌هراسی، اتحادهای منطقه‌ای با کشورهایی چون اسرائیل و ترکیه و اتحادهای فرامنطقه‌ای با ایالات متحده، تقویت بنیان دفاعی و خرید تسلیحات، دخالت در بحران سوریه و فشار بر متحدان راهبردی ایران در منطقه غرب آسیا، همچنین با دخالت نظامی در بحرین و یمن و ورود به جنگ سرد نفتی و تلاش‌های دیپلماسی ضدایرانی در منطقه، سعی نموده از طریق به چالش کشیدن جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه بازی باخته در عراق را جبران کند. هرچند عربستان و ایران با تهدید مشترک داعش و تهدیدات امنیتی مشترک از جانب آن می‌توانستند با هم همکاری - های امنیتی داشته باشند، اما از آنجایی که بنیان سیاست خارجی این دو کشور متفاوت و متعارض است، هر کدامشان از کارت داعش به‌نفع خود و به زیان دیگری بهره‌مند شده‌اند. سعودی‌ها در تلاش‌اند که داعش را به سمت جمهوری اسلامی ایران هدایت نموده و از این طریق برای رقیب دیرینه خود چالش‌های امنیتی ایجاد کنند تا قافیه باخته در عراق، سوریه و یمن را جبران کنند و ایران نیز در تلاش است که داعش را به داخل مرزهای عربستان هدایت نماید تا جبران اقدامات تخریبی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران کرده باشد.

منابع و یادداشت‌ها:

۱. احمدی، بهزاد (۱۳۸۵)، «عراق و عربستان: اهداف امریکا و روابط آتی دو کشور»، *پگاه حوزه*، شماره ۱۹۵، ۲۰ آبانماه.
۲. باشگاه پژوهشگران جوان (۱۳۹۳/۱۲/۵)، «حرکات مشکوک عربستان علیه ج.ا.ایران»، ۱۳۹۴/۸/۴، در: <http://www.Yjc.Ir/fa/news/5140977>
۳. برزگر، کیهان (۱۳۸۵)، «تضاد نقش‌ها: بررسی ریشه منازعه ج.ا.ایران و آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر»، *راهبرد*، بهار.
۴. پایگاه اطلاع رسانی شبکه خبر (۱۳۹۳/۴/۱۱)، «پشت پرده حرکت مرموز عربستان درباره عراق»، قابل دریافت در: <http://www.irinn.ir/news/59199>
۵. پایگاه تحلیلی خبری انتخاب (۱۳۹۴/۴/۱۶)، «مردم عربستان از ج.ا.ایران بیش از داعش و اسرائیل می ترسند! منافع مشترک اسرائیل - عربستان!»، ۱۳۹۴/۸/۸، قابل دریافت در: <http://www.entekhab.ir/fa/news/208426>
۶. پرچم، امیر رضا و کاظمی، زهرا (۱۳۸۲)، «آخرین بازی صدام»، تهران: دریاچه.
۷. جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۱)، «ژئوپلیتیک نوین شیعه در خاورمیانه و سیاست خارجی»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال هشتم، شماره دوم، بهار.
۸. حاجی یوسفی، امیرمحمد و احمد سلطانی نژاد (۱۳۸۶)، «سامان سیاسی در عراق جدید»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
۹. خبرگزاری فارس، کرمی، ک. (۱۳۹۲)، «یزش‌های عربی و چرخش سیاست خارجی عربستان در روند موازنه‌سازی منطقه‌ای»، ۱۳۹۴/۸/۴، قابل دریافت در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920513001248>
۱۰. خبرگزاری فارس، جلالی، م. (۱۳۹۳/۱۰/۱۳)، «سیاست خارجی منطقه‌ای ج.ا.ایران در سال ۲۰۱۴ عراق»، ۱۳۹۴/۸/۵، در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13931008000717>
۱۱. حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵)، «روش‌شناسی علوم سیاسی»، قم: نشر دانشگاه مفید.
۱۲. خسروی، غلامرضا (۱۳۸۹)، «مؤلفه‌های داخلی پایدار و مؤثر بر سیاست خارجی عراق جدید»، *مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، شماره ۱، فصل بهار.
۱۳. خضری، احسان و دیگران (۱۳۹۴)، «ریشه‌یابی منازعات ج.ا.ایران و عربستان (مطالعه موردی سه کشور عراق، بحرین و یمن)»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا*، شماره ۲۳، تابستان.
۱۴. خلیلی، محسن و دیگران (۱۳۹۲)، «مدل‌سازی ژئوپلیتیک تاثیرگذار بر سیاست خارجی ج.ا.ایران و عراق»، *فصلنامه مطالعات جهان اسلام*، سال اول، شماره ۳، فصل زمستان.
۱۵. دیپلماسی ج.ا.ایرانی (۱۳۹۲/۱۲/۱۳)، «حمله به ج.ا.ایران رویای مشترک اسرائیل و عربستان»، ۱۳۹۴/۷/۳۰، در: <http://irdiplomacy.ir/fa/page/1929492.html>
۱۶. دیپلماسی ج.ا.ایرانی (اسفند ۱۳۹۳)، «شناسه‌های شکل‌گیری محور عربستان - قطر - ترکیه علیه ج.ا.ایران»، ۱۳۹۵/۸/۵، قابل دریافت در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1944472>
۱۷. *روزنامه کیهان*، ۲۴ شهریور ۱۳۸۷.
۱۸. ساعی، احمد و علیخانی، مهدی (۱۳۹۲)، «بررسی چرخه تعارض در روابط ج.ا.ایران و عربستان سعودی با تاکید بر دوره ۹۲ - ۱۳۸۴»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال ۹، ش ۲۲: ۱۱۸.
۱۹. سایت الف (۱۳۹۳/۱۲/۱۹)، «تلاش‌های عربستان برای تقابل با ج.ا.ایران در منطقه»، ۱۳۹۴/۷/۳۰، در: <http://www.Alef.Ir/vdcb5fb58rhb0gp.Uiur.Html?263021>
۲۰. سایت اشرف (۱۳۹۳/۳/۲۵)، «حمله داعش به عراق، جنگ عربستان علیه ج.ا.ایران است»، ۱۳۹۴/۸/۲۰، در: <http://www.eshraf.ir/1841>

۲۱. سایت فارارو (۱۳۹۴/۶/۱۵)، «برای مقابله با ج.ا. ایران هر کاری می‌کنیم»، ۱۳۹۴/۸/۰۶، قابل دریافت در:
<https://fararu.com/fa/news/245845>
۲۲. سایت فردا نیوز (۱۳۹۴/۲/۱۴)، «بازار گرم فروش اسلحه در کشورهای عربی خلیج فارس/هزینه خرید تسلیحات نظامی در عربستان بیش از ۶/۴ میلیارد دلار»، ۱۳۹۴/۷/۳۰، قابل دریافت در: <http://www.fardanews.com/fa/print/415251>
۲۳. سایت کیهان، (۱۳۹۳/۱۲/۱۰)، تاریخ دستیابی ۱۳۹۴/۸/۱۸، قابل دسترسی در: <http://kahan.ir/fa/news/39075/>
۲۴. ستاد توسعه اقتصادی ج.ا. ایران و عراق (۱۳۹۴/۶/۱۷)، «وزیر اقتصاد از افزایش روابط تجاری ج.ا. ایران و عراق خبر داد»، ۱۳۹۴/۸/۸، قابل دریافت از: <http://iieda.gov.ir/?p=2836>
۲۵. سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۶)، *نظریه پردازی در روابط بین‌الملل؛ مبانی و قالبهای فکری*، تهران: سمت.
۲۶. شیعه‌آنانلین، الصمدی، فد. (۱۱ آبان، ۱۳۹۳)، «عراق در سیاست استراتژیک ج.ا. ایران»، ترجمه: مریم نصری زاده، ۱۳۹۴/۸/۹، قابل دریافت در: <http://www.shia-online.ir/article.asp?id=37263&cat=5>
۲۷. صاحب نیوز، سالدورگر، ا. (۱۳۹۳)، «عربستان بازیگری با چند نقش در بحرین، یمن، عراق و سوریه»، ۸ آبان ۱۳۹۳ به نقل از: <http://sahebnews.ir/146152/>
۲۸. عبدلی، قهرمان (۱۳۸۶)، *نظریه بازی‌ها و کاربردهای آن: بازی‌های ایستا و پوی*، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.
۲۹. عرب، علی (۱۳۷۸)، «کاربرد نظریه بازی‌ها در علوم انسانی»، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، سال اول، شماره ۴.
۳۰. قاسمی، محمدعلی. (۱۳۸۹)، «بازیگران موثر بر عراق آینده: منافع و سناریوها»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سیزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۹، شماره ۴۷.
۳۱. کردپرس، کرمی، ک. (۱۳۹۰/۱۱/۱۳)، «نقش پنهان عربستان در تحولات عراق»، قابل دریافت در:
<http://www.kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/News/?Id=21802#Title>
۳۲. کرمی، کامران (۱۳۹۳)، «سلفی‌گری در خاورمیانه عربی»، تهران: مرکز چاپ نشر شهر.
۳۳. کرمی، کامران (۱۳۹۰)، «بهار عربی و عربستان سعودی: آثار و واکنش‌ها»، *مجله مطالعات خاورمیانه*، شماره ۶۲، فصل پاییز.
۳۴. لیتل، دانیل (۱۳۷۲)، «تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی به فلسفه علم الاجتماع»، ترجمه سروش، عبدالکریم؛ تهران: موسسه فرهنگی صراط.
۳۵. مارش، دیوید و استوکر، جری (۱۳۷۸)، «روش و نظریه در علوم سیاسی»، ترجمه حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۶. نامی، محمد حسن و محمدپور، علی (۱۳۸۷)، «جغرافیای کشور عراق با تاکید بر مسائل ژئوپلیتیک»، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۳۷. ندیمی، ر. «بازار گرم اسلحه در کشورهای عربی خلیج فارس» به نقل از:
<http://www.tisri.org/default-1825.aspx>
۳۸. وینسل، ی. س. (۱۳۷۳)، «نظریه بازی‌ها و کاربرد آن در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک»، ترجمه جلیل روشندل و علیرضا طیب، تهران: قومس.
39. Brams, J. Steven & Togman M. Jeffrey (1998), "Cooperation Through Threats: The Northern Ireland Case," *Political Science* (electronic version), at: <http://www.findarticles.com/p/articles/mi-hb3333/is-199803/ai-n8046-702>.
40. Brams, J. Steven (2001), "Game Theory and Cuban Missile Crisis," at: <http://www.Plus.maths.org.issue13/features/brams/index.htm>.
41. Brams, J. Steven (1994), "Theory of move", Cambridge university press. At: <http://www>.

Amazon.com/gp/product/customer_reviews/052/458676/103_9447111.

42. <http://jahannews.com/vdciypa5rt1apr2.obct.html/433272>.

43. Kessler Glen & Priest, Dana(2003), *The US Underestimates the Power of Islam Marchforjustcs*.

44. Mearsheimer, Johan & Stephen, Walt(2006), "The Israel Lobby," at: www. Irb. co. uk/v28/n06/Johan-Mearsheimer/the-Israel-Lobby. 23 march 2006.

45. Nasr, Vali(2006), "Behind the Rise of the Shittes," *Time.com*, 19 December, [Http/www. Belfercenter. com](http://www. Belfercenter. com).